

مبارزه با مشرکان

۱ - برآة من الله و رسوله الى الذين
عاهدتم من المشركين : (این اعلام) بیزاریست از
طرف خدا و رسول او بکسانی که با آنها عهد بسته‌اید
یعنی مشرکان .

فسيحوا في الارض اربعة اشهر و اعلموا
انكم غير معجزى الله و ان الله مخزى الكافرين:
ای مشرکان ؛ روی زمین چهارماه (آزاد) بگردید و
بدانید که شما خدا را عاجز نتوانید کرد ، خدا خوار
کننده کافران است .

اشتباه خاور شناسان در تفسیر این آیات

سیل تبلیغات زهر آگین خاور شناسان سالیان دراز است که بسوی شرق و شرقیان
سرازیر است ، گرچه نوشته های فریبنده آنان بظاهر برفع اسلام و مسلمانان است
ولی پس از دقت و بررسی روشن میشود که منظورهای دیگری در نظر دارند ، مقصود
اینست که خود را بی طرف قلمداد کنند ، تا بدینوسیله میدان وسیعی برای تحریف
حقایق اسلامی و القاء شبهات در دل ساده لوحان و ایجاد همه گونشک و تردید در عقائد

جوانان، بدست آورند (۱) و این مطلب اگر درباره همه آنها اغراق باشد اقل در مورد عده‌ای قطعی است و اگر تمام لغزشهای آنان قابل بخشش و باصلاح جای حمل بصحت را داشته باشد؛ لغزش و تحریفی که از آنان در تفسیر همین سوره سرزده قابل عفو نیست.

راستی جای تعجب است گروهی که خود را موحد و پیرو کتاب آسمانی (انجیل) میدانند و معتقدند که انبیاء برای تحکیم مبانی توحید مبعوث گردیده اند تا بت پرستی و شرک را از بین ببرند. مع الوصف در تفسیر این اعلام بیزاری چنان دچار اشتباه و تناقض گوئی شده اند که قیام پیامبر را علیه مشرکان يك قیام خصمانه، و منافی با اصول حریت و آزادی قلمداد کرده اند، و مبارزه با مشرکان و نقض پیمانهای را که میان مسلمانان و مشرکان بسته شده بود، يك نهضت غیر اصولی دانسته و معتقدند این روش در انبیاء گذشته مشابهی نداشته است. اینک نظر و انتقاد آنان را برای قضاوت خوانندگان گرامی در اینجامتعمکس میسازیم:

میگویند: شالوده دعوت اسلام در آغاز کار بر اساس برهان و تفکر در جهان آفرینش استوار بود، و رهبر مسلمانان در آغاز نبوت خود، از هر گونه جبر و اکراه نکوهش کرده و مدعی بود که میخواهد مردم را فقط بوسیله تبلیغ و ارشاد بشا همراه هدایت سوق دهد تا آنجا که گفت: لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی (اجباری در دین نیست زیرا هدایت و کراهی از هم آشکار شده است) (بقره - ۲۵۷) و باز فرمود: ای کافران! لکم دینکم ولی دین: شما بر دین خود، باشید و من بر دین خود (کافرون - ۷) ولی هنگامی که قدرتهای محلی را قبضه کرد، روش مسالمت - آمیز خود را عوض نمود مشرکان و بت پرستان را واجب القتل دانست و هر گونه

(۱) آن مستشرق معروفی که امروز در مطبوعات ما بنام «ادوارد برون» ایران شناس و ایران دوست معرفی میشود یکی از دشمنان ایران و ملیت ما است. هیئت تحریریه در نظر دارد بخواست خدادار آینده نزدیکی طی مقالاتی چند اثبات کند که خاور شناسان ماموریت خاصی داشتند که در لباس دوستی، با تهمت‌های ناروا اسلام و مسلمانان را مفتضح کنند.

امانی را که بآنها داده بود ، از آنان برداشت ، و فرمان جهاد و بیکار عمومی را صادر نمود و این نقطه یکی از نقاط ضعف و یا اقل از نقاط قابل تأمل اسلام است که چرا فرستاده خدا ، با داشتن ده‌هادرلیل و گواهمحکم ، در ارشاد گمراهان راه‌عنفراپیش گرفته و بزور متوسل شده است ؟ این بود خلاصه گفتار آنان . اکنون برای روشن شدن حقیقت بتوضیحات زیر توجه کنید :

جای تردید نیست که اسلام پس از آنکه قوت گرفت دستور داد که مسلمانان بادو گروه : مشرکان و اهل کتاب بچنگند ، ولی جنگ با مشرکان علتی داشت و مبارزه با اهل کتاب علت دیگری ، چون سخن در اینجا درباره مشرکان است از این لحاظ فلسفه جنگ با اهل کتاب را به تفسیر آیه نود و نهم از همین سوره موکول میکنیم و در اینجا فقط علت جنگ با مشرکان را با تکیه آیات قرآنی و گفتار دانشمندان از نظر شما میگذرانیم :

۱ - علت اینکه رهبر عالیقدر اسلام فرمان داد که با مشرکان مبارزه کنند و فرمود : اگر آنان پس از چهار ماه ایمان نیاورند ، در هر نقطه‌ایکه مسلمانان دست بآنها بیابند ، آنان را بکشند ، این بود که : بت پرستان و مشرکان با اساسی - ترین قانون اسلام مبارزه میکردند و موجودیت اسلام و امام ادیان آسمانی را تهدید مینمودند و امروز هم در محاکم قضائی دنیا کسانی که با اساس بگزریم رسمی مخالفت ورزند ، محکوم باعدام میشوند ، و هیچگاه عقل و خرد ، و قوانین کشوری و بین‌المللی ، اجازه نمیدهد که حکومتی که به رژیم و روش خود علاقمند است ، و حیات و بقا اجتماع را در آن میداند ، دست حریفان را در بر انداختن اصل اساس آن باز بگذارد ، و اجازه دهد که آنان هر کاری را که دلشان خواست بکنند ؛

اساسی ترین قانون اسلام بلکه تمام دینهای آسمانی همان توحید و یکتا پرستی است که در واقع شالوده تمام بر نامه‌های عالی و حیات بخش ادیان آسمانی بشمار میرود مشرکان با این قانون اساسی وهسته مرکزی مخالف بودند ، و لذا در هیچ نقطه‌ای با حکومت اسلام توافق نداشتند ، و با اساس این آئین که هزاران سر باز دلیر و

شجاع در احیاء و تحکیم آن شربت شهادت نوشیده بوده اند ، مخالفت می ورزیدند .
 با این وضع ، اسلام چطور چنین گروهی را بر سمیت بشناسد و دست آنان را برای
 همه گونه فعالیت تخریبی باز بگذارد ؟ اگر شما بجای زعیم و رهبر عالیقدر اسلام
 بودید و بیش از همه چیز به هدف خود علاقه داشتید با این گروه چه رقم معامله میکردید ؟
 اسلام معتقد است که تمام برنامه اصلاحی ، اخلاقی ، اقتصادی بر اساس توحید
 است ، و تا این اصل اساسی در اجتماع جای نگیرد هیچ کاخ رفیعی را نمیتوان در
 اجتماع بالا برد .

اسلام عقیده مند است که توحید و یکتا پرستی دین فطری است و دفاع از این حق مشروع
 وظیفه هر فرد علاقمند به اصلاح اجتماع است چنانچه میفرماید : **فأقم وجهك للدين حنيفاً
 فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر
 الناس لا يعلمون** (روم - ۳۰) رو بدین خالص (توحید) خدا آر ، دینی که خداوند مردم
 را بر آن آفریده ، آفرینش خدا را تبدیل و تغییری نیست ، اینست آئین راست ولی
 بیشتر مردم نمیدانند .

رهبر مسلمانان عقیده دارد که کشته شدن در راه توحید و کشتن کسانی که سد
 این راه هستند ، احیاء و زنده کردن اصول سعادت بشری است ، از این نظر بیکار با
 بت پرستان را وسیله حیات اجتماع بشری دانسته است و میفرماید : **يا ايها الذين آمنوا
 استجيبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم** (انفال ۲۴) ای کسانی که ایمان
 آورده اید اجابت کنید خدا و رسولش را هنگامیکه شما را دعوت میکند بسوی چیزیکه
 شمارا زنده میکند (توحید) آیا با در نظر گرفتن این جهات ، اسلام میتواند با مشرکان
 و بت پرستان کنار بیاید ؟

عقل پیدار و خالی از هر گونه تعصب میگوید که وظیفه طرفداران خردمند آئین
 مزبور اینست که اولین قدم را در راه اصلاح مخالفین که همان تبلیغات پی گیر و متکی
 بمنطق و استدلال است بردارند و اگر این قدم مؤثر واقع نشود در این صورت برای جلوگیری
 از بروز هر گونه خطرات و پیشگیری از سرایت این بیماری خانمان سوز بد دیگران

متوسل به قدرت شده آنرا اوبعنوان آخرین علاج بکار برند .

خوشبختانه ، اسلام نیز همین روش را انتخاب کرد ، سیزده سال تمام بمردم برهان ودلیل گفت ، و خداوند به پیغمبرش دستور داد که در برابر هر گونه تجاوزی صابر و بردبار باشد **فاصبر علی ما یقولون** (مزمل - ۱۰) مرور زمان ، خیانتهای پی در پی مشرکان و دسیسه بازیهای آنان که در طی تفسیر همین سوره مشروحاً بیان خواهد شد ، ثابت کرد که بیمه‌اری شرک و ماده پرستی چنان در دل عده‌ای ریشه دوانده که بهیچ وجه اصلاح پذیر نیستند و یگانه داروی آنان اینستکه فرمان پیکار عمومی صادر گردد .

خلاصه این همان روشی است که تمام حکومتهای دنیای امروز برای حفظ موجودیت خود از آن پیروی میکنند و آنرا منافی با اصول آزادی نمیدانند حتی از آنهم قدم فراتر نهاده برای یک سلسله مطالب غیر حیاتی و مقاصد شخصی دست بمبارزات دامنه داری میزنند .

۲ - علت دوم این اعلام بیزاری اینستکه عقیده و عمل تا آنجا آزاد است که موجبات اختلال نظامات اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی صحیح يك جامعه را فراهم نیاورد حتی ، تمدن امروز که بر اساس آزادی عقیده استوار است برای توده مردم آزادی مطلق قائل نشده و آنان را مطلق العنان ندانسته است لذا اگر گروهی پیدا بشوند باتشکیل دادن کلوپها ودائر کردن مراکز تبلیغی ، اخلاق و روحیات مردم را فاسد کنند ، و اصول صحیح زندگی ملتی را تحت عنوان « آزادی عقیده » بهم بزنند تمدن کنونی از آن جلو گیری میکند ، و آنرا با اصول آزادی منافی نمیداند .

آزادی باید در حدود صلاح جامعه و حفظ حقوق افراد باشد امروزه دانشمندان در کشورهای خود برای جلو گیری از نهضت های زیان بخش اقتصادی و اخلاقی و اجتماعی ، قوانینی بوجود آورده اند و در حقیقت با افکار و عقائد عمومی جاهلانه ، مبارزه میکنند و هیچ عاقلی هم عمل آنان را تخطئه نمیکند ، زیرا آنان بخوبی میدانند که شیوع افکار نامناسب مایه بدبختی و ضرر اجتماع است .

چه ضرری بالاتر از زیان مشرک، که انسان را با آن همه عظمت زبون و ذلیل میسازد و منزلت انسانی را تا بسرحد خضوع در مقابل سنگ و گل تنزل میدهد، و آنچه در باره اعراب زمان جاهلیت از هرزگی، خونریزی، فرزند کشی، شهوت رانی، زنا، خوارگی و ذرها کردار زشت و عمل ناپسند شنیده‌اید، تمام اثر مستقیم شرک و بت پرستی بوده است.

آیا باین وضع اگر پیغمبر با بیماری شرک که «ام الامراض» است، مبارزه کند و افکار آنان را از مقام پست سنگ و گل بعالم بالاتر توجه دهد جا دارد که ما این عمل را منافی با اصول عدالت بدانیم؟

یا اینکه باید عمل او را در اینکار تحسین کنیم، و معتقد شویم که دین وجدانی و انسانی را اداء نموده است تا چه رسد که خدایش دستور داده است.

علل دیگری نیز برای پیکار با مشرکان است که در شماره آینده از نظر شما خوانندگان میگذرانیم و ضمناً درباره دو آیه‌ای که (آیه لا اکراه فی الدین و آیه لکم دینکم ولی دین) بعضی از خاورشناسان آنرا دستاویز قرار داده‌اند بحث خواهیم نمود.



شبهه واقعی

کسی خدمت امام باقر (ع) عرض کرد شیعیان شما در شهر ما فراق دارند فرود: بگو به بینم آیا توانگران آنها نسبت بفقراء مرحوم دارند؟ آیا نیکوکاران آنها گنهکاران را می بخشند؟ آیا باهم مساوات و برابری دارند؟

عرض کردم: نه.

فرمود: اینها شیعه نیستند، شیعه کسی است که اینها را انجام دهد.

اصول کافی